

تاریخ  
ورجال







# پیشینه تاریخی طواف

سید علی قاضی عسکر

یکی از واجبات حج، طواف بیت‌الله الحرام است. بر هر انسان حج‌گزاری که حج تمتع بجای می‌آورد، سه طواف واجب است: طواف عمره تمتع، طواف حج تمتع و طواف نساء در این نوشتار پیشینه تاریخی طواف، و اهمیت آن، مورد بررسی قرار گرفته است.

## طواف در لغت:

«طواف» مصدر «طاف»، «یطوف» بوده و در لغت‌گرد چیزی گشتن و در اصطلاح پیرامون کعبه گردیدن است.<sup>۱</sup>

## پیدایش طواف

پیشینه طواف به هزاران سال قبل از هبوط حضرت آدم - علیه‌السلام - به زمین بازمی‌گردد. فرشتگان در ناحیه «رذم» از آدم استقبال کرده، به او گفتند: ما دو هزار سال

---

۱- جبران مسعود، الرائد، ج ۲، ص ۹۸۰، دارالعلم للملایین، چاپ ششم، ۱۹۹۰؛ فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۴۰۵، ج ۲، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۵۱۳۶۰. ش.

پیش از تو به این خانه حج گزاردیم. آدم پرسید: شما هنگام طواف چه می‌گویید؟ گفتند می‌گوییم: «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر».<sup>۲</sup>

در روایتی به نقل از امام صادق - ع - آمده است: آنگاه که خداوند به ملائکه فرمود: «انّی جاعل فی الأرض خلیفة، قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدك و نقدّس لك...»

هنگامی که پروردگار تو به فرشتگان فرمود:

«من در روی زمین جانشین قرار خواهم داد، فرشتگان گفتند (پروردگار!!) آیا کسی را در زمین قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟ ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم». خداوند در برابر گستاخی فرشتگان، بر آنان خشم گرفت و ارتباط آنان هفت سال با حق تعالی قطع شد، سپس آنها درخواست توبه کردند. به آنان فرمان داده شد تا برگرد بیت المعمور طواف کنند. هفت سال اطراف آن طواف کردند و از آنچه گفته بودند طلب آمرزش نمودند، خداوند نیز توبه آنان را پذیرفت و از آنها راضی شد.<sup>۳</sup> پس از آن، خداوند تعالی درست مقابل بیت المعمور - در روی کره زمین - خانه خویش را بنا نهاد.<sup>۴</sup>

در آسمان دنیا، و دقیقاً مقابل کعبه، خانه‌ای وجود دارد که نام آن «ضراح» است.<sup>۵</sup> برابری آن با کعبه بگونه‌ای است که اگر پایین بیاید، روی کعبه خواهد آمد.<sup>۶</sup>

ابن کوّاء از علی - ع - پرسید: بیت المعمور چیست؟ حضرت فرمود: بیت المعمور همان «ضراح» است که بر فراز آسمانهای هفت‌گانه<sup>۷</sup> و زیر عرش قرار دارد. هر روز هفتاد هزار فرشته وارد آن می‌شوند و تا روز قیامت باز نمی‌گردند.<sup>۸</sup>

قتاده از رسول خدا - ص - نقل کرده که فرمود: بیت المعمور مسجدی است در

۲- ابوالولید ازرقی، اخبار مکه، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، ص ۳۶ چاپ و نشر بنیاد، تهران ۱۳۶۸ ه. ش.

۳- تفتیقی از روایات مستدرک الوسائل، حاج میرزا حسین نوری طبرسی، م ۱۳۲۰ ه. ق، ج ۶، ص ۳۷۲ تا ۳۶۹، مؤسسة آل البيت - ع - قم، ۱۴۰۸ ه. ق.

۴- هفان.

۵- الضراح بالضم: البيت المعمور.

۶- بحار، ج ۵۸، ص ۵۶-۵۵.

۷- در مجمع البیان آمده است که بیت المعمور در آسمان چهارم است. مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۶۳.

۸- اخبار مکه، ص ۴۱.

آسمان که زیر آن کعبه قرار گرفته است.<sup>۹</sup>

بیت المعمور را بدان جهت این نام نهادند که همه روزه هفتاد هزار فرشته در آن نماز می‌گزارند و شبانگاه فرود آمده گرد کعبه طواف می‌کنند و آنگاه بر پیامبر - ص - درود می‌فرستند و پس از آن برمی‌گردند و تا روز قیامت، دیگر نوبت به آنها نخواهد رسید.<sup>۱۰</sup>

### طواف آدم - ع -

ابن عباس گفته است: نخستین کسی که اساس خانه کعبه را نهاد و در آن نماز گزارد و بر آن طواف کرد، آدم بود.<sup>۱۱</sup> او هفت طواف در شب و پنج طواف در روز انجام داد.<sup>۱۲</sup> ازرقی می‌نویسد:

«آدم که بخاطر عصیان خداوند از بهشت رانده شد و به زمین فرود آمد گفت: پروردگارا! برای من چه پیش آمده است که آوای فرشتگان را نمی‌شنوم و وجودشان را دیگر احساس نمی‌کنم؟ فرمود نتیجه (ترک اولی و) خطای تو است، ولی برو و برای من خانه‌ای بساز، بر گرد آن طواف کرده و مرا یاد کن، همانگونه که دیدی فرشتگان رفتار می‌کنند و بر گرد عرش من می‌گردند... آدم به مکه رسید و بیت‌الحرام را ساخت و جبرئیل - ع - با بال خود به زمین زد و پایه استواری در پایین‌ترین نقطه زمین برای او آشکار ساخت و فرشتگان سنگهایی در آن ریختند...<sup>۱۳</sup>

بدنبال بنای کعبه، ملائکه شیوه طواف کردن بر گرد آن را به آدم آموختند. در تاریخ الخمیس آمده است: ملائکه به آدم گفتند: ما هزار سال پیش از تو حج می‌گزاردیم، سپس پیشاپیش آدم حرکت کردند تا او هفت دور طواف نمود.<sup>۱۴</sup>

۹ - الدر المنثور، ج ۷، ص ۶۲۹.

۱۰ - اخبار مکه ج ۱، ص ۴۰.

۱۱ - اخبار مکه، ص ۳۰: محمد طاهر الکردی المکی، التاريخ القويم لمکه و بيت الله الکریم، ج ۳، ص ۲۲؛ مكتبة النهضة الحدیثه بمکه المکرمه، ۱۳۸۵ هـ. ق.

۱۲ - اخبار مکه، ص ۳۶.

۱۳ - اخبار مکه، ص ۲۹.

۱۴ - التاريخ القويم، ج ۳، ص ۱۴.

آدم گرد کعبه طواف می‌کرد، همانگونه که ملانکه پیرامون عرش خدا طواف می‌کردند.<sup>۱۵</sup>

عبدالله بن ابی سلیمان آزاد کرده بنی مخزوم می‌گوید: چون آدم از بهشت فرود آمد، نخست هفت بار گرد کعبه طواف کرد و سپس دو رکعت نماز روبروی کعبه گزارد... و از آن هنگام که آدم طواف کرد طواف بر گرد کعبه معمول و سنت شد.<sup>۱۶</sup>

حرم الهی نیز به اندازه کنونی آن، تعیین شد - نه کمتر و نه زیادت - بدان جهت که خداوند تبارک و تعالی یاقوت سرخ فامی را بر آدم فرو فرستاد و آدم آن را در جای کنونی خانه کعبه قرار داد و پیوسته پیرامون آن طواف می‌کرد...<sup>۱۷</sup>

### فرشتگان در طواف کعبه

ازرقی می‌نویسد:

«در یکی از کتابهای پیشینیان نخستین که در آن موضوع کعبه آمده بود، چنین دیدم که هیچ فرشته‌ای را خداوند به زمین نمی‌فرستد مگر آنکه او را به زیارت کعبه فرمان می‌دهد و آن فرشته از کنار عرش احرام بسته و لبیک گویند فرود می‌آید، نخست حَجَر را می‌بوسد و استلام می‌کند و سپس هفت دور، بر خانه طواف می‌کند و داخل کعبه دو رکعت نماز می‌گزارد، آنگاه به آسمان صعود می‌کند.<sup>۱۸</sup>

راهنمای آدم در انجام مناسک حج جبرائیل امین بود. او پذیرش توبه آدم - ع - را به آن حضرت ابلاغ نمود، سپس مناسک حج را به او آموخت؛ از جمله آن مناسک، هفت دور طواف گرد خانه خدا بود.<sup>۱۹</sup>

پس از بنای خانه کعبه به دست حضرت آدم - ع - اقوام و ملل گوناگون احترام خاص و ویژه‌ای برای آن قائل شدند، هر یک بگونه‌ای حج گزارده، گرداگرد بیت الله الحرام

۱۵ - همان، ص ۱۳.

۱۶ - اخبار مکه، ص ۲۶۱.

۱۷ - ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۷، نشر صدوق ۱۳۶۸ ه. ش.

۱۸ - اخبار مکه، ص ۳۱.

۱۹ - فیض کاشانی، کتاب وافی، ج ۸، ص ۱۳۰، مکتبه الامام امیرالمؤمنین - ع - اصفهان ۱۳۷۲ ه. ش.

طواف می‌کردند.

مسعودی فاصله زمانی هبوط آدم تا مبعث پیامبر اسلام - ص - را حدود چهار هزار و هشتصد و یازده سال و شش ماه و ده روز ذکر می‌کند.<sup>۲۰</sup>

### طواف پیامبران

پس از مرگ حضرت آدم - ع - شیث نیز به همان شیوه حج گزارد.<sup>۲۱</sup> مجاهد گفته است: هفتاد و پنج پیامبر حج گزاردند و همگان طواف کردند.<sup>۲۲</sup> از طواف حضرت نوح نیز در روایات سخن به میان آمده است.<sup>۲۳</sup> وگرچه در نقلی گفته شده که از فاصله زمانی حضرت نوح تا حضرت ابراهیم - علیهما السلام - هیچیک از پیامبران حج نگزارده، پیرامون خانه خدا طواف نکرده‌اند.<sup>۲۴</sup> لیکن یعقوبی می‌نویسد: خدای متعال هود [بن عبدالله بن رباح بن] خلود بن عاد بن عوص بن ارم بن سام بن نوح را مبعوث فرمود<sup>۲۵</sup> و او عاد را به عبادت و اطاعت پروردگار و دوری از محرّمات دعوت می‌کرد و آنها تکذیبش نمودند تا خدا سه سال باران را از آنان بازگرفت، پس کسانی از خود را به سوی کعبه فرستادند تا برای آنها از خدا باران بخواهند و آنها چهل روز به طواف کعبه و مراسم زیارت آن مشغول بودند...<sup>۲۶</sup> سال‌ها می‌گذرد و به دوران حضرت ابراهیم خلیل - ع - کعبه و حج‌گزاری رونقی تازه پیدا می‌کند. در تاریخ آمده است:

آنکاه که هاجر اسماعیل را بزاد، ساره بر او رشک برد و گفت: او و فرزندش را از اینجا ببر! پس ابراهیم هاجر و اسماعیل را برداشت و به مکه آورد و در نزد خانه کعبه فرود آورد و خود از آن دو جداگردید. هاجر به او گفت: «ما را به که می‌سپاری؟»

۲۰- ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج ۱، ص ۶۱۹

۲۱- التاريخ القويم، ج ۳، ص ۱۴.

۲۲- اخبار مکه، ص ۵۷.

۲۳- وافى، ج ۸، ص ۱۵۹.

۲۴- التاريخ القويم، ج ۳، ص ۱۴.

۲۵- اعراف: ۷۲- ۶۵؛ هود ۶۰- ۵۰ و ۸۹؛ شعراء ۱۴۰- ۱۲۳.

۲۶- احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۰، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ ه.ش.

گفت: «به پروردگار این خانه» و آنگاه گفت: «اللهم انی اسكنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم...»<sup>۲۷</sup>

... سپس خدای متعال ابراهیم را فرمود: «کعبه را بسازد و ستون‌های آن را برافرازد و مردم را به حج بخواند و مناسک حج را به آنان بیاموزد پس ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه را برافراشتند...»<sup>۲۸</sup>

### طواف ابراهیم

محمد بن اسحاق نقل می‌کند که چون ابراهیم خلیل‌الرحمان از ساختن بیت‌الحرام آسوده شد، جبرائیل پیش او آمد و گفت: «هفت بار بر کعبه طواف کن» و او همراه اسماعیل هفت دور طواف کرد و در هر دور طواف، هر دو به تمام گوشه‌های کعبه دست می‌کشیدند و چون هفت دور طواف تمام شد هر دو پشت مقام ابراهیم دو رکعت نماز گزاردند.<sup>۲۹</sup>

معلم ابراهیم - ع - و فرزندش اسماعیل نیز، چونان حضرت آدم - ع - جبرائیل بود، آنان را نزد حجرالأسود آورد، ابتدا خود آن را استلام نمود، به ابراهیم و اسماعیل نیز گفت استلام کنند، سپس همراه با هم، هفت مرتبه طواف نمودند.<sup>۳۰</sup>

فرشتگان ضمن طواف، به ابراهیم - ع - سلام دادند. ابراهیم پرسید: شما در طواف خود چه می‌گویید؟ گفتند: پیش از روزگار آدم - ع - «سبحان الله والحمد لله ولاله الا الله والله اکبر» می‌گفتیم و چون به آدم گفتیم، فرمود: بر این کلمات، «و لاحول و لا قوة الا بالله» را هم بیفزایید. ابراهیم فرمود: بر آن «العلی العظیم» را هم بیفزایید و فرشتگان چنین کردند.<sup>۳۱</sup>

پس از حضرت ابراهیم - ع - موسی - ع - نیز حج گزارده، هفت مرتبه گرداگرد این

۲۷ - سوره ۱۴، آیه ۳۷.

۲۸ - تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۷.

۲۹ - التاریخ القویم، ج ۳، ص ۴۷؛ اخبار مکه، ص ۵۵.

۳۰ - وافی، ج ۸، ص ۱۳۸.

۳۱ - اخبار مکه، ص ۳۷.



خانه طواف نموده است.<sup>۳۲</sup>

مجاهد نقل کرده که: موسی بر شتری سرخ به حج آمد و از منطقه روحاء گذشت و دو جامه پنبه‌ای بر تن داشت، یکی را ازار ساخته و دیگری را رداء و بر کعبه طواف کرد...<sup>۳۳</sup> از امام صادق - ع - سؤال شد: آیا قبل از بعثت نبی اکرم - ص - حج گزارده می‌شد؟ فرمود: آری و تصدیق آن در قرآن گفتار شعیب است که هنگام ازدواج موسی گفت: «علی آن تاجر نی ثمانی حجج»؛ «تصمیم دارم یکی از دو دخترم را به ازدواج تو درآورم، بر این مهر که هشت «حج» برای من خدمت کنی»<sup>\*</sup> و نگفت هشت «سال». همانا آدم و نوح حج گزاردند. سلیمان بن داود همراه با جن و انس و پرنده و باد حج انجام داد. موسی سوار بر شتری سرخ رنگ حج گزارده می‌فرمود: «لبیک لبیک...»<sup>۳۴</sup>

پیامبران الهی هر یک بگونه‌ای تلبیه گفته، حج می‌گزاردند، آنگونه که از رقی می‌گوید: یونس بن متی می‌گفته است «لبیک فراج الکرب لبیک» و موسی می‌گفته است: «لبیک انا عبدک لبیک لبیک» و عیسی می‌گفته است: «لبیک انا عبدک، ابن امتک، بنت عبدک لبیک».<sup>۳۵</sup>

### طواف ایرانیان قدیم

کعبه نزد ایرانیان قدیم نیز از قداست و ویژه‌ای برخوردار بوده است، برخی از آنان به احترام خانه کعبه و جدشان ابراهیم - ع - و هم توسل به هدایت او و رعایت نسب خویش، به زیارت بیت الحرام می‌رفتند و بر آن طواف می‌بردند و آخرین کس از ایشان که به حج رفت، ساسان پسر بابک جد اردشیر بابکان، سرملوک ساسانی بود... در روایات اسلامی راجع به حفر چاه زمزم به وسیله عبدالمطلب آورده‌اند که: وقتی عبدالمطلب زمزم را کشف کرد دو آهوی طلا و چند شمشیر و زر بسیار به دست آورد

۳۲ - اخبار مکه، ص ۶۰.

۳۳ - اخبار مکه، ص ۵۷.

\* قصص: ۲۷.

۳۴ - تفسیر البرهان ۱: ۱۰/۱۵۵ - بحار ۹۹: ۴۱/۶۴.

۳۵ - اخبار مکه، ص ۶۱.

که ساسان پادشاه ایران به حرم کعبه اهدا کرده بود... عبدالمطلب باب کعبه را با آنها بساخت\*.

یاقوت حموی هم به نقل از مسعودی\*\* آورده است که «ایرانیان عقیده دارند که از اولاد ابراهیم‌اند و پیشینیان ایشان برای بزرگداشت جد خود ابراهیم خلیل به زیارت بیت‌الله می‌رفتند و کعبه را طواف می‌کردند تا شعار نیای خویش را بر پای دارند و انساب خود را حفظ کنند. آخرین پادشاه پارسی که به حج بیت‌الله رفت ساسان بن بابک بود... شاعر باستانی تازی در این باره گفته است:

زمزمت الفرس علی زمزم      و ذلك من سالفها الأقدم  
ما از زمانهای پیش خانه خدا را حج می‌گزاردیم و در اباطح آن ایمن بودیم - اَبْطَح  
یعنی مسیل، جمع آن اباطح است.

و بعد از ظهور اسلام یکی از شاعران ایرانی چنین گفته است:

ومازلنا بحج البيت قدما      و نُلقي بالاباطح آمينا  
ما از زمانهای پیش خانه خدا را حج می‌گزاردیم و در اباطح آن ایمن بودیم.  
و ساسانُ بنُ بابك سارَ حَتَّى      أتى البيت العتيق بأضيدينا  
و ساسان پسر بابک همراه با دلبران مغرور ما راه پیمود تا به بیت‌العتیق رسید.  
وطاف به و زمزم عند بئر      لاسماعيل تروى الشار بينا  
و کعبه و زمزم را طواف کرد، آن چاه را که از اسماعیل است و نوشندگان را سیراب می‌کند.

به موجب این اخبار، ایرانیان صدر اسلام افتخار می‌کردند در عصری که مشرکان جزیره العرب کعبه را با بتهای خود ملوث کرده زشت‌ترین گناهان را در مطاف و مسجد الحرام مرتکب می‌شدند، به زیارت حج می‌رفتند و هدایایی به کعبه تقدیم می‌داشتند.

\* - تاریخ مکه ۲۲/۱.

\*\* - معجم البلدان ۱۴۸/۳؛ مروج الذهب ۳۳۶/۱.

## طواف در جاهلیت

در دوران قبل از اسلام و در عصر جاهلی نیز، مراسم حج و طواف خانه خدا، همچنان وجود داشت. قریش و عموم فرزندان معد بن عدنان پاره‌ای از احکام دین ابراهیم را به دست داشتند، خانه کعبه را زیارت می‌کردند و مناسک حج را به پا می‌داشتند، مهمان نواز بودند و ماههای حرام را بزرگ می‌داشتند.<sup>۳۶</sup>

لیکن باگذشت زمان، آگاهان دین‌ساز، بازیگران دنیاخواه و کج‌اندیشان جاهل، بگونه‌های مختلف به تحریف این فریضه الهی پرداختند.

یعقوبی می‌نویسد:

عمرو بن لحنی - و نام لحنی، ربیعه بن حارثه بن عمرو بن عامر است - به سرزمین شام رفت و آنجا مردمی از عمالقه بودند که بت می‌پرستیدند، پس به آنها گفت: این بت‌هایی که شما می‌پرستید چیستند؟ گفتند: اینها بت‌هایی هستند که آنها را پرستش می‌کنیم و از آنها یاری می‌خواهیم، پس یاری کرده می‌شویم و بوسیله آنها باران می‌خواهیم پس سیراب می‌شویم، عمر بن لحنی گفت: یکی از این بتها را به من نمی‌بخشید تا آن را به زمین عرب برم، همانجا که عرب برای زیارت خانه خدا می‌آیند؟ پس بتی به نام «هبل» به او دادند و آن را به مکه آورد و نزد کعبه نهاد و آن اول بتی بود که در مکه نهاده شد، سپس «اساف» و «نائله» را آوردند و هرکدام را بر یکی از ارکان کعبه نهادند و طواف کننده، طواف خود را از اساف شروع می‌کرد و آن را می‌بوسید و نیز به آن ختم می‌کرد.<sup>۳۷</sup>

برخی علاوه بر طواف خانه، برگرد بت نیز طواف می‌کردند. عمرو بن لحنی، بت عززی را در منطقه نخله قرار داد و هنگامی که از حج و طواف خود بر کعبه آسوده می‌شدند، از احرام بیرون نمی‌آمدند تا کنار بت عززی می‌رفتند و بر آن طواف می‌کردند و سپس همانجا از احرام بیرون می‌آمدند.<sup>۳۸</sup>

۳۶ - تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۳۱؛ مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳.

۳۷ - تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۲۳۱ و ۲۳۲.

۳۸ - اخبار مکه، ص ۱۰۲.

بت و بتخانه عزی در راه مکه به عراق و بالاتر از ذات عرق قرار داشته است.<sup>۳۹</sup> مشرکان هرگاه در مراسم حج طواف و وقوف در عرفات و منی را انجام می دادند، سرهای خود را کنار بت منات می تراشیدند و برای آن نیت حج می کردند و تلبیه می گفتند...<sup>۴۰</sup>

بدعت‌ها و رسوم غلط جاهلی، یکی پس از دیگری آشکار گردید و طواف این فریضه الهی، و کعبه این جلوه‌گاه توحید، جایگاهی برای ابراز وجود هرزگان و هوسرانان گردید، برهنه طواف کردن برای گروهی سنت شد و از این رهگذر قداست خانه خدا را خدشه‌دار کردند. به تاریخچه این ماجرا توجه کنید:

عرب در کیشهای خود دو صنف بودند: حُمس و حَلّه، عربهای حمس در کار دین بر خود سخت می گرفتند و هنگام انجام دادن اعمال حج، غذای روغنی نمی پختند و شیرینی اندوخته نمی کردند، و میان شیردهی و شیرخوارگانش مانع نمی شدند تا خود آن را رها سازند مو و ناخن نمی گرفتند و روغن استعمال نمی کردند و دست به زنان نمی بردند و خود را خوشبو نمی کردند و گوشتی نمی خوردند و در حج خود کرک و پشم و مویی نمی پوشیدند و لباس نوی به تن می کردند و با نعلین خویش گرد خانه طواف می نمودند و از نظر تعظیم پا روی زمین مسجد نمی نهادند.<sup>۴۱</sup>

عربهای حله - یعنی قبیله‌های تمیم و ضَبّه و مُزَینه و رَباب و عُکَل و ثُور و قیس عیلان همه‌اش به جز عدوان و ثقیف و عامر بن صعصعه، و ربیعه بن نزار همه‌اش و قضاعه و حضرموت و عک و قبیله‌هایی از ازد ... هرگاه به مکه می رسیدند، پس از انجام مناسک، جامه‌هایی را که پوشیده بودند بیرون می آوردند<sup>۴۲</sup> و دیگر آن را نمی پوشیدند و به این جامه‌ها «لُقی» می گفتند. بدین جهت اگر می توانستند جامه‌های حمس را به کرایه یا عاریه می پوشیدند و در آنها طواف می کردند وگرنه برهنه طواف خانه را انجام می دادند.<sup>۴۳</sup>

۳۹- اخبار مکه ازرقی، ص ۱۰۲.

۴۰- اخبار مکه، ص ۱۰۱.

۴۱- تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۳۵.

۴۲- همان.

۴۳- سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۱۹.

### برهنگان در مطاف

ابن جریر نیز می‌گوید: چون خداوند اصحاب ابرهه حبشی را با پرنده‌ای به نام ابابیل نابود ساخت، همه اعراب، قریش و ساکنان مکه را تعظیم می‌کردند و به همین سبب در بزرگداشت حرم و مشاعر و ماههای حرام، دقت بیشتری می‌نمودند. به افراد قریش و ساکنان مکه هم می‌گفتند: ما اهل خدا و فرزندان ابراهیم خلیل الرحمان و حاکمان بیت‌الحرام و ساکنان حرم خداوندیم و برای هیچکس از اعراب حق و منزلت ما نیست و به همین سبب در آیین خودکارهای تازه و بدعت‌هایی آوردند و آن را میان خود معمول کردند؛ از جمله این بدعت‌ها این بود که می‌گفتند: هرکس از غیر اَحْمَسِ‌ها که برای نخستین بار به حج می‌آید - چه مرد و چه زن - باید طواف اول خویش را برهنه و مادرزاد انجام دهد، یا آنکه جامه‌ای از کسی که احمسی باشد عاریه یا کرایه کند و اَحْمَسِ‌ها به مردم مکه که قبایل قریش و کنانه و خزاعه بودند و به دیگر مردمی که آیین آنان را داشتند گفته می‌شد.

افرادی که احمسی نبودند بر در مسجد می‌ایستادند و می‌گفتند: چه کسی جامه و پوششی به عاریه می‌دهد؟ اگر کسی کرایه می‌داد در آن جامه طواف می‌کردند در غیر این صورت، جامه خود را بیرون در مسجد از تن خارج و برهنه مادرزاد وارد محل طواف می‌شدند، نخست کنار بت اساف رفته، آن را دست می‌کشیدند و سپس حجرالاسود را لمس کرده و طواف خود را از سمت راست آغاز می‌نمودند، در حالی که کعبه سمت چپ آنان قرار داشت. و چون هفت دورشان تمام می‌شد باز حجرالأسود را استلام کرده و آنگاه به بت نائله دست می‌کشیدند و طوافشان در اینجا تمام می‌شد و چون از محل طواف بیرون می‌آمدند، جامه خود را به همان حال پیدا می‌کردند، در حالی که هیچکس به آن دست نمی‌زد، آن را می‌پوشیدند و پس از آن دیگر برهنه طواف نمی‌کردند و فقط کسانی که احمسی نبودند و برای نخستین بار به حج یا عمره می‌آمدند در طواف اول خود برهنه طواف می‌کردند. غیر احمسی‌ها اگر لباس دیگری داشتند، لباسی را که با آن طواف کرده بودند، پس از طواف از بدن خارج نموده میان بت اساف و نائله می‌انداختند و آن جامه همچنان آنجا افتاده باقی می‌ماند و هیچکس به آن دست نمی‌زد تا از میان می‌رفت. تمام

این کارها که ساخته و پرداخته ابلیس و موجب دگرگونی آیین حنیف ابراهیم - ع - می‌گشت، سنت شده بود.<sup>۴۴</sup>

این عمل قداست حرم را شکست و جوانان هوسران را بر آن داشت تا در کنار بیت‌الله الحرام به نظاره برهنگان بپردازند:

روزی بانویی زیبا برای طواف آمد، جامه‌ای عاریه می‌خواست کسی پیدا نشد که به او جامه عاریه دهد، بناچار لباسهای خود را خارج و برهنه مشغول طواف شد، و در حالی که هر دو دست خود را بر جلو خویش گذاشته بود، شعر می‌خواند و می‌گفت:

اليوم يبدو بعضه او كله و ما بدا منه فلا أجله

«امروز قسمتی یا همه‌اش آشکار است و آنچه از آن آشکار است روا نمی‌دارم».

جوانان مکه نگاهش می‌کردند.<sup>۴۵</sup>

وجود چنین مناظری جوانان هوسران را تحریک می‌کرد تا گاهی در خانه خدا، دست به بازوان زنان بزنند و هرزگی را پیشه خود سازند.<sup>۴۶</sup>  
گاهی نیز زنان و مردان جداگانه طواف می‌کردند:

ابن عباس می‌گوید: برخی از قبایل عرب از جمله بنی‌عامر و دیگران، برهنه طواف می‌کردند. مردان روزها و زنان شبها... اینها می‌گفتند در جامه‌هایی که در آن مرتکب گناه شده‌ایم، طواف نمی‌کنیم... برخی از زنان ایشان، تسمه‌ها و بریده‌هایی از تهیگاه خود می‌آویختند و ظاهراً عورت خود را می‌پوشاندند...<sup>۴۷</sup>

### اندیشه‌ای خرافی

این که چرا اعراب جاهلی برهنه طواف می‌نمودند، و یا اگر با لباس طواف می‌کردند چرا پس از طواف، لباس خود را از تن بیرون آورده، به کنار خانه می‌انداختند؟ ریشه در یک اندیشه خرافی داشت.

۴۴ - اخبار مکه، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۴۵ - اخبار مکه، ص ۱۴۳.

۴۶ - اخبار مکه، ص ۱۴۴.

۴۷ - اخبار مکه، ص ۱۴۶.

ابی سلیمان از پدرش نقل می‌کند که فاخته دختر زهیر بن حارث بن اسد بن عبدالعزی که مادر حکیم بن خزام است، در حالی که حامله بود، وارد کعبه شد. درد زایمان او را گرفت و حکیم را داخل کعبه به دنیا آورد.<sup>۴۸</sup>

فاخته را، در سفره چرمی از کعبه بیرون بردند و محلی را که در آن زاییده بود، با آب زمزم شستند.<sup>۴۹</sup>

جامه‌ای هم که در آن زاییده بود گوشه‌ای انداختند و در اصطلاح به چنین جامه‌ای «لُفا» می‌گویند و چنین بود که عموم مردم گرد کعبه برهنه و بدون هیچ جامه‌ای طواف می‌کردند، مگر حمسی‌ها (یعنی قریشیان و هم بیمانان ایشان) که با جامه طواف می‌کردند. اگر کس دیگری غیر از آنان با جامه طواف می‌کرد چون طوافش تمام می‌شد چه مرد و چه زن، آن جامه را کنار خانه می‌انداخت و هیچکس به آن دست نمی‌زد و آن را حرکت نمی‌داد تا آنکه زیر گام‌های مردم و بر اثر تابش آفتاب و باد و باران پوسیده می‌شد. در این باره ورقه بن نوفل چنین سروده است:

«همین اندوه برای او بس است که گویی همچون جامه مطرود (لُقی) زیر دست و پای طواف کنندگان بر کعبه افتاده است» مقصودش این است که کسی با او تماس نمی‌گیرد.<sup>۵۰</sup>

در برخی روایات از ابن عباس و نیز قتاده نقل شده که: گروهی از قریش و نیز طایفه‌ای از یمنی‌ها بر اساس همان اندیشه‌های خرافی، برهنه طواف می‌گزاردند و عجیب‌تر آنکه ابن عباس می‌گوید: برخی نه تنها در مطاف، بلکه قبل از ورود به مکه و دخول حرم، لباس‌ها را از تن خارج، و عریان وارد مکه می‌شدند!!<sup>۵۱</sup>

اسامی برخی از قبایل آن روز حجاز که برهنه طواف می‌کردند، عبارتند از: بنوحمس

۴۸ - در مستدرک الصحیحین ج ۳، ص ۴۸۳ آمده است، اخبار متواتره دلالت بر آن دارند که علی - ع - در کعبه زاده شده است و در نورالابصار نیز آمده که قبل از علی - ع - هیچکس در کعبه متولد نشده است. فضائل الخمسه، ج ۱، ص ۲۱۴، مؤسسة الأعلمی - بیروت.

۴۹ - اخبار مکه، ص ۱۴۰.

۵۰ - اخبار مکه، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.

۵۱ - الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۴۶.

از قریش، اوس، خزرج، خزاعه، ثقیف، بنی عامر بن صعصعه، بطون کنانه بن بکر و... اینان عقاید خرافی و ناپسند دیگری نیز داشته‌اند:

گوشت نمی‌خور دند، همیشه از پشت خانه‌ها داخل می‌شدند، هیچ وقت از پشم و مو استفاده نمی‌کردند، برای پوشاندن اطفال پوست گوسفند یا بز را یک جا در آورده، در پائین آن و در محل پاهای حیوان دو سوراخ درست کرده آن را - نظیر شلوار - به تن اطفال خود می‌کردند و همواره برهنه طواف می‌نمودند...<sup>۵۲</sup>

### لزوم پوشش در طواف

وضعیت به اندازه‌ای اسفبار بود که اگر کسی با لباس طواف می‌کرد و آن لباس را بر تن می‌داشت و دیگران می‌دیدند، او را می‌زدند و جامه را از تن او بیرون می‌کردند. سیوطی گوید: در این مورد آیه آمد که: بگو چه کسی حرام کرد زینت خدا را که برای بندگانش فراهم فرموده است و خوراکیها و روزی‌های پاکیزه را.<sup>۵۳</sup>

منصور از مجاهد نقل می‌کند در باره این آیه که خداوند می‌فرماید «و هنگامی که کار زشت می‌کردند می‌گفتند: پدران خود را دیدیم که بر این کار عمل می‌کردند و خداوند ما را به آن فرمان داده است» منظور برهنه طواف کردن ایشان است.<sup>۵۴</sup>

ابن عباس در ذیل آیه شریفه «خذوا زینتکم عند کلّ مسجد» \* گفته است: چون مردانی بودند که برهنه طواف می‌کردند، پس خداوند آنان را به زینت فرمان داد و مراد از زینت همان لباس، پوشاننده عورت و انواع لباس‌های خوب است.<sup>۵۵</sup>

طاووس نیز گفته است: خداوند در این آیه مردم را به پوشیدن ابریشم و دیباج امر نفرموده، لیکن بدان علت که گروهی برهنه طواف می‌کردند و این چنین بود که وقتی به مکه

۵۲ - سید محمد حسین طباطبایی، میزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۷۲، مؤسسه‌الاعلمی بیروت، ۱۳۹۰ هـ. ق.  
 ۵۳ - آیات ۲۷ و ۳۰ سوره اعراف: جلال‌الدین سیوطی - الدر المنثور فی التفسیر المأثور، جزء ۳، ص ۱۴۶، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۰ م.

۵۴ - اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۷۶.

\* اعراف: ۳۱.

۵۵ - الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۴۵.



می آمدند لباس های خود را خارج مسجد در آورده، سپس وارد می شدند، پس این آیه نازل شد که «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد».<sup>۵۶</sup>

مرحوم علامه طباطبایی - قدس سره - معتقدند: آیه اختصاص به برهنه طواف کردن و پوشیدن لباس نداشته، و کلیه آیاتی که در آغاز آن خطاب بنی آدم آمده است، احکام عامی را بیان می کنند که اختصاص به ملت خاصی ندارد. روایات وارده در این زمینه را نیز از اخبار آحادی می دانند که به هیچ وجه حجیت ندارد. سپس می فرمایند: ابن عباس در این روایت یک حقیقت خارجی را تطبیق بر آیه قرآن کرده است.<sup>۵۷</sup>

### مخالفت با برهنگی

در فضای تاریک عصر جاهلی، وجدان های بیداری نیز یافت می شد که با بدعت ها و رسوم زشت آن دوران به مخالفت برخیزند عبدالمطلب از شمار این کسان بود. یعقوبی در این باره می نویسد:

عبدالمطلب پرستش بتها را رها کرد و خدا را به یگانگی شناخت و به نذر وفا نمود و سنتهایی نهاد که بیشتر آنها در قرآن آمد و در سنت رسول خدا هم پذیرفته شد و آنها عبارتند از: وفای به نذر، صد شتر در دیه پرداختن، حرمت نکاح با محارم، موقوف کردن درآمدن به خانه ها از پشت آنها، بریدن دست دزد، نهی از زنده بگور کردن، مباحله (نفرین کردن بر یکدیگر)، حرمت میگساری، حرمت زنا، حد زدن زناکار، و قرعه زدن، و آنکه نباید هیچکس برهنه گرد کعبه طواف نماید و پذیرایی از مهمان و آنکه نباید هزینه حج را جز از مالهای پاکیزه خویش پردازند و بزرگ داشتن ماههای حرام.<sup>۵۸</sup>

۵۶ - الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۴۶.

۵۷ - سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۸۷ و ۸۸.

۵۸ - تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۶۳.

### پایان یک بدعت

بدعت برهنه طواف کردن که در دوران جاهلی مرسوم بود، پس از بعثت رسول اکرم - ص - همچنان در مکه باقی ماند تا آن که پیامبر - ص - قدرت یافت و در سال نهم هجری علی بن ابیطالب - ع - را به مکه اعزام و آن حضرت در منی پیام رسول خدا - ص - را به مردم ابلاغ و این عمل نابخردانه را ممنوع نمود.

علی - ع - فرمود: پیامبر - ص - به من امر نموده تا دستور خدا را به مردم ابلاغ کرده، به آنان بگویم از این پس عریان برگرد خانه خدا طواف نکنند و پس از این سال نیز مشرکان دیگر حق نزدیک شدن به مسجدالحرام را ندارند.<sup>۵۹</sup>

ترمذی نیز از زید بن یثیع نقل می‌کند که از علی - ع - سؤال کردم: مأموریت شما در حج چه بود؟ حضرت پاسخ فرمود: چهار چیز: ۱ - اینکه برهنه در کنار کعبه طواف نکنند...<sup>۶۰</sup>

ابی الصباح کنانی از امام صادق - ع - نقل می‌کند که فرمود: پیامبر - ص - پس از مراجعت از جنگ تبوک تصمیم به انجام حج گرفتند [لیکن] فرمودند: در خانه خدا مشرکان عریان طواف می‌کنند و تا چنین وضعی ادامه دارد من دوست نمی‌دارم حج بگزارم.<sup>۶۱</sup>

پیامبر - ص - سرانجام با اعزام علی - ع - پرونده این بدعت ناپسند را بستند و پس از آن، با اقتدار کامل به مکه آمده آنجا را از پلیدیها پاک کردند.

### طواف پیامبر - ص -

ابن عباس می‌گوید:

پیامبر - ص - در حالی وارد مکه شدند که برگرد کعبه ۳۶۰ بت بود برخی از آنها را با سرب استوار کرده بودند... پیامبر با چوبدستی خود به بت‌ها اشاره می‌فرمودند و بت فرو می‌افتاد آنگاه همچنان سواره هفت دور طواف فرمود و با همان چوبدستی

۵۹ - نورالثقلین، ج ۲، ص ۱۷۹.

۶۰ - تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۶۸.

۶۱ - تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۶۸.

حجرالاسود را استلام کرد و چون طواف ایشان تمام شد از مرکوب خود پیاده شدند و کنار مقام ابراهیم آمدند و...  
 اهالی مکه نیز در عصر جاهلی برای کعبه قداست خاصی قائل بودند. آنان برای عبادت و شکرگزاری به درگاه حضرت حق، به آنجا آمده، طواف می‌کردند. ابن شهر آشوب در این زمینه می‌نویسد:

ابوطالب در حجر اسماعیل در خواب دید دربی از آسمان به سوی او گشوده شد و نوری از آن ساطع است و ابوطالب را در خود گرفت. پس از بیدار شدن، خواب را برای راهب جحفه نقل کرد. راهب ابوطالب را بشارت داد که فرزندی بزرگوار و شجاع نصیب او خواهد شد. ابوطالب نیز به سوی کعبه بازگشت و در حالی که طواف می‌کرد این اشعار را می‌سرود:

أطوف للاله حول البيت	ادعوك بالرغبة محیی المیت
بأن ترینی السبط قبل الموت	أغر نوراً یا عظیم الصوت
منصلاً بقتل اهل الجبت	و كل من دان بیوم السبت... <sup>۶۲</sup>

پس از بعثت رسول اکرم - ص - دستورات و قوانین حیات بخش اسلام، آرام آرام بدعت‌ها و سنت‌های غلط جاهلی را از بین برد و با تبیین و تشریح فلسفه طواف و نشان دادن الگو، فصل جدیدی در انجام صحیح مناسک حج گشوده شد که در شماره بعد به بررسی ابعاد گوناگون آن خواهیم پرداخت.

۶۲ - ابی‌جعفر رشیدالدین محمدبن علی بن شهر آشوب م ۵۸۸، مناقب، ج ۲، ص ۲۵۴، انتشارات علامه، قم.

